

سوپر جوجله برای روح مادران

جک کانفیلد - مارک ویکتور هانسین

ترجمه‌ی گیسو فاضری



کافیله، جک	
سوپ جوجه برای روح مادران / جک کافیله [...] و دیگران] - ترجمه گیو ناصری، تهران: نشر ثالث، راویان مهر، ۱۳۸۶.	
۴۸۳ ص.	
شابک ۹۶۴-۳۸۰-۲۷۰-۱	ISBN 964-380-270-1
۱. مادران - لطیفه. ۲. مادری - لطیفه. ۳. مادر و فرزند - لطیفه. الف - کافیله، جک، ۱۹۴۴.	
س ۹ / HQ ۷۵۹ /	۳۰۶ / ۸۷۴۳

نشر ثالث

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایوانشهر و ماهشهر / پ ۱۶۲ / طبقه پنجم / تلفن: ۸۸۲۰۲۳۳۷

فروشگاه: خیابان کریمخان زند / بین ایوانشهر و ماهشهر / پ ۱۶۰ / تلفن: ۸۸۲۵۲۷۶-۲

دفتر توزیع: خیابان انقلاب / خیابان ۱۲ فروردین / شماره ۱۱ / تلفن: ۶۶۴۶۰۱۳۶ / فکس: ۶۶۹۵۰۹۹۶

سوپ جوجه برای روح مادران

جک کافیله

ترجمه گيو ناصري

ناشر: نشر ثالث - راویان مهر

طرح روی جلد: علی زعیم

حروف نگاران: مهناز قهاری - آرزو رحمانی

صفحه آرا: اکرم کیامنش

چاپ اول: ۱۳۸۶ / ۲۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: طاووس رایانه - چاپ: رهنا - صحافی: صفحه پرداز

کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق به نشر ثالث است

ISBN 964-380-270-1

شابک ۹۶۴-۳۸۰-۲۷۰-۱

سایت اینترنتی: WWW.Salesspub.com

پست الکترونیکی: Info@Salesspub.com

فهرست

۹	مقدمه
	فصل اول
۱۳	● از روی عشق و علاقه
	فصل دوم
۷۵	● دست رانمای مادر
	فصل سوم
۱۱۷	● شجاعت مادر
	فصل چهارم
۱۵۵	● احساس مادر بودن
	فصل پنجم
۱۹۹	● مادر شدن
	فصل ششم
۲۲۷	● لحظات خاص و به یادماندنی

فصل هفتم

۲۶۱

● مجزوها

فصل هشتم

۳۰۳

● این نیز بگذرد

فصل نهم

۳۳۷

● عشق مادر بزرگ

فصل دهم

۳۵۵

● مادر منشکرم

مقدمه

این کتاب هدیه‌ای ناقابل برای شما مادران دنیا است. هنگام نوشتن کتاب قصد داشتیم با تمام مادران جهان صادقانه برخورد کرده و در موردشان بنویسیم، ولی چگونه می‌توانید از مادری که بزرگ‌ترین هدیه یعنی زندگی را به شما بخشیده تشکر کنید؟ زمانی که داستان‌های فرستاده شده در خصوص نوشتن این کتاب به دستمان رسید تازه به معنای عشق و عاطفه مادرانه که هنوز هم در دنیا طرفداران بسیار دارد، پی بردیم.

بسیاری از مردم در خصوص فداکاری‌ها و گذشت‌هایی که مادرشان نموده صحبت می‌کردند، برخی دیگر از شجاعت و دلاوری آنها می‌گفتند. هنوز هم عده‌ای هستند که از موهبت الهی که خداوند به آنها ارزانی داشته شکر گذارند و مادر خود را همچون خدا پرستش می‌کنند. ولی هیچ یک نمی‌توانستند عشق و علاقه خود را توصیف کرده و آن را به راحتی برای مادرشان بیان کنند.

در میان تمام نامه‌ها یک متن کوچک ولی بسیار پر معنا را یافتیم که دوست داریم شما هم در آن با ما شریک شده و از آن لذت ببرید:

«در روزی آرام و زیبا که خورشید در پیراهن آسمان آبی به زیبایی می‌درخشید یکی از فرشتگان درگاه الهی بدون آن که کسی بفهمد از بهشت به این جهان کهن پای می‌گذارد و میان جنگل‌ها و مراتع به گشت و گذار مشغول می‌شود. او حتی به شهر هم می‌رود. زمانی که خورشید به آرامی در پس کوه‌ها غروب می‌کند تا خستگی را از تن بیرون کرده و خودش را برای یک روز دیگر

آماده کند، فرشته زیبای ما بال هایش را به آرامی بسته و می گوید: خوب، گردش و سفر من در این دنیا به اتمام رسید، حالا باید دوباره به شهر نور بازگردم. ولی قبل از رفتن بهتر است چند چیز به یادگار از این سفر با خودم به آن شهر ببرم.

نگاهی به باغ پر از گل کرده و گفت: آه چه گل های زیبایی، پس دسته گلی چید و باز گفت: چیزی زیباتر از این دسته گل نیست. این ها را با خودم به شهر نور برم، ولی کمی بعد او متوجه یک جفت چشم براق شد که متعلق به کودکی سرخ گونه و بسیار زیبایی بود که در آغوش مادرش خفته و به روی او لبخند می زد. فرشته تحت تأثیر این خنده قرار گرفت و گفت: آه، لبخند این کودک حتی از این دسته گل قشنگ تر است، این را هم به یادگار با خود می برم.

ناگهان نگاهش به آن طرف کودک افتاد، به روی چهره مادر نوزاد که با لبخندی شیرین و نگاه پر مهر پاسخ لبخند شیرین کودکش را می داد، عشق و محبت از نگاه و دستان این زن همچون رودخانه ای پرخروش در جریان بود و همگی به سوی کودک منتقل می شد. فرشته نفس عمیقی کشید و گفت: عشق مادرانه زیباترین چیزی بود که در این دنیا پیدا کردم، این را هم با خود می برم. او همراه سه گنجینه گران بها راهی دروازه های نقره ای شهر نور شد، قبل از اینکه از در بگذرد با خود گفت: بهتر است یک بار دیگر یادگارهای خود را امتحان کنم. او نگاهی به دسته گل کرد و دید آنها پژمرده اند. به لبخند کودک نگریست دید آن لبخند شیرین از بین رفته و ناپدید شده، سپس به عشق مادرانه نگاه کرد و دید آن عشق همچنان بی غل و غش پابرجا است و از زیبایی آن چیزی کاسته نشده است.

سپس فرشته دسته گل و لبخند کودک را بیرون دروازه نهاد و با هیجان وارد باغ بهشت شد و تمام ساکنان آن را فرا خواند و با صدای بلند گفت: تنها چیزی که روی زمین یافتم که هیچ گاه زیبایی اش از دست نمی دهد و این زیبایی حتی در

باغ بهشت هم می‌درخشد، عشق مادری است.

بنابر این ما هم با عشق و علاقه این کتاب را تقدیم می‌کنیم به تمام مادران دنیا و امید است با این کار کوچک اندکی از مهر بی‌کران آنها جبران شود. ممکن است شما با این کتاب از شنیدن و خواندن مطالب زیبا و معجزه‌های شگفت‌انگیز لذت ببرید. پس با قلبی آکنده از عشق و محبت کتاب را آغاز کنید.